

سخنان رهبر معظم انقلاب در جمع نخبگان جوان

(۵ شهریور ۱۳۸۷)

اشاره:

بیش از هزار نفر از نخبگان دانشگاهی در تاریخ پنجم شهریورماه دیداری صمیمانه با رهبر معظم انقلاب داشتند. در این دیدار، ابتدا حدود ۱۴ نفر از حضار به طرح دیدگاههای خود پرداختند و سپس رهبر انقلاب مطالبی را ایراد نمودند که مشروح آن را با هم می‌خوانیم.



خیلی روز شیرین و ساعت خوشی برای بنده است که در جمع یک مجموعه نخبه، زبده و امیدبخش برای آینده کشور بنشینیم و راجع به یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین مسائل کشور - که مسئله پیشرفت علم و براساس آن پیشرفت فناوری است - بحث کنیم. همه مطالبی هم که برادران و خواهران و جوانان عزیز ما آمدید اینجا و بیان کردید، این فکر را در انسان تقویت می‌کند که جریان نخبه پروری و توسعه فکر سازنده در بین جوانان کشور، یک جریان رو به رشدی است؛ دارای پیشرفت است و آینده خوبی را نوید می‌دهد. من حرفهای دوستان در سال گذشته را هم کم و بیش در یاد دارم - غیر از این که حالا یادداشت شده و ثبت شده - آنها هم همین جور است. نکاتی که به ذهن جوانان و نخبگان ما می‌رسد که فکر می‌کنند اینجا باید مطرح و بیان کنند، برای ما شاخص است. انسان می‌بیند که هم توجه و انگیزه‌ها برای پیشرفت علم و اعتناء به اهمیت علم و فناوری بیشتر شده، هم جهت‌گیریها با اهداف والای نظام جمهوری اسلامی همخوان‌تر و منطبق‌تر شده است.

● علوم ارزشی و علوم معرفتی

حالا این مطلب را من عرض بکنم - شاید پاسخی هم باشد به سؤالی که این برادر عزیزمان در پایان جلسه مطرح کردند - که علم برای یک جامعه انسانی یک موهبت الهی است: هم علوم ارزشی و علوم معرفتی و هم علمی که به انسان کمک می‌کند تا در این طبیعت عظیم و در این خلقت شگفت‌آور خدای بزرگ، از گنجینه‌هایی که خدا برای انسان در این طبیعت قرار داده، بیشتر و بهتر استفاده کند. از اول پیدایش انسان، حرکت انسان به سمت پیدا کردن رموز طبیعت و کشف کردن کوچه پس‌کوچه‌های تو در توی این ساخت عظیم و بافت بزرگ به کار گرفته شده و اسلام و همه ادیان این را تأیید می‌کنند. شما نمی‌توانید در هیچ دینی - به خصوص دین اسلام - یک تعبیر و جمله‌ای پیدا کنید که نشان دهنده این باشد که این علوم دنیوی فایده ندارد یا مضر است یا نباید دنبالش رفت. به عکس همه این دانشهائی که تا امروز بشر به آنها دست پیدا کرده - که وسیله‌ای است برای این که انسان بتواند از این حقیقت که وجود دارد و این طبیعتی که خدا برای ما آفریده، بهتر استفاده کند - و همچنین دانشهائی که تا امروز بشر به آنها دست پیدا نکرده - شاید دانشهائی بیشتری در آینده پیدا خواهد شد، که حجم و کمیت آنها از همه دانشهائی بشری از اول تا حالا بیشتر است و بشر در آینده به آنها دست پیدا خواهد کرد - همه این دانشها از نظر اسلام با ارزش است.

خود علم، «ارزش» است. این ارزش را کسانی می‌توانند به ضد ارزش تبدیل کنند، که از او علیه منافع بشریت استفاده کنند. اما خود دانش یک ارزش است. به برکت دانش، معرفت خدا هم آسان می‌شود. کسانی که دارای علم‌اند، بیشتر می‌توانند حقانیت پیام پیغمبران و حقانیت پیام راستین اسلام را بفهمند. علم را با شهوات، با غرضها و با چیزهائی که در عالم ماده و گرایشهای مادی وجود دارد، مخلوط نباید کرد. آئی که آنجا بد است، او ضد ارزش حرکت کردن آنها و شهوانی و نفسانی بهره‌گیری کردن از علم است، نه خود «علم». بنابراین «علم یک ارزش» است؛ در این شک نکنید. هم علوم معرفتی، علوم ارزشی، علوم حقیقی یا اعتباری مثل فلسفه یا فقه یا امثال اینها خیلی با ارزش است و هم علمی که وسیله کشف دنیای موجود در اختیار بشر و کشف رازهای آن و توانا شدن بر استفاده بهتر از این گنجینه عظیم است.

این دنیائی که در اختیار ماست، این زمین که در اختیار ماست، این موادی که در اختیار ماست، ای بسا میلیونها برابر بهره‌ای که امروز بشر از آنها استفاده می‌کند، قابل بهره‌برداری باشد. از همین آب، از همین خاک، از همین مواد، از همین هوا، از همین موادی که در زیر زمین هست و از همین چیزهائی که در اختیار ماست و ما ارزش اینها را نمی‌دانیم؛ ای بسا بشر در آینده بهره‌های خیلی فراوانی ببرد. ما امروز نفت را می‌سوزانیم؛ ممکن است در آینده، بهره‌مندیهائی از نفت برای بشر به دست بیاید و به

قدری ارزشمند بشود که هیچ عاقلی حاضر نباشد یک قطره نفت را بسوزاند؛ به جای آن از انرژیهای دیگر استفاده کنند. شما ببینید، امروز از زباله شما بازیافت مواد باارزش می‌کنند. خب، زباله، زباله است؛ این یک مثال خیلی کوچک است. خیلی از چیزها هست که ممکن است از آنها استفاده بشود؛ به چه وسیله می‌شود آنها را فهمید؟ به چه وسیله می‌شود به راههای ده توی طبیعت پی برد و راه برد و از آنها استفاده کرد؟ به وسیله «علم». این که پیغمبر میفرماید: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالضَّيْنِ»، نمی‌خواهد بگوید بروید فلسفه یا فقه را از چین یاد بگیرید، بروید دانش را- هر دانشی؛ علم و آنچه که بر علم مترتب می‌شود یعنی فناوری و تواناییهای فراوان سرپنجه بشری- یاد بگیرید. اینها چیزهای لازمی است. این یک مقداری پرداختن به مسائل بدیهی بود؛ یعنی بنده تصور هم نمی‌کردم که در بین شما جوانان نخبه کسی باشد که در این زمینه شک و تردیدی داشته باشد و تصور کند که حالا اسلام چه می‌گوید. سند چشم‌انداز هم مطلقاً یک قطعه‌ای از نگاه‌های غرب نیست. ما جهت را عوض کرده‌ایم.

● قالب و جهت

ببینید یک نکته‌ای که شما جوان‌ها خوب است به آن توجه کنید، این است که خیلی از چیزها هست که «قالب» آن ایرادی ندارد، اما «جهتش» اشکال دارد؛ ما در اسلام هم از این قبیل چیزها داشتیم. همین «حج» و عمره‌ای که شماها می‌روید و اینقدر دختر جوان ما و پسر جوان ما- با آن دل‌های پاکشان- تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند، این حج یک رسم جاهلی است و در جاهلیت بوده. همین «طوافی» که شما می‌کنید، این طواف را در دوران جاهلیت می‌کردند. در موسم «حج»، که موسم حج هم همین ماههای حرام بود، از اطراف عربستان- حالا در بیرون عربستان کسی اعتقاد نداشت- راه می‌افتادند و به مکه می‌آمدند، برای این که اطراف کعبه طواف کنند.

قالب کار، همین قالب کار است که شما انجام می‌دهید؛ اما محتوا و «جهت» کار، صد و هشتاد درجه تفاوت دارد. امروز شما اطراف کعبه که حرکت می‌کنید توحید را دارید تجسم می‌کنید؛ حرکت عظیم عالم بر محور وجود خالق متعال؛ که اینجا یک حرکت سمبلیک و یک حرکت نمادین به وجود آمد و «کعبه» شد، مظهر توحید در اسلام، و «حج» شد بهترین عامل برای توحید کلمه در یک مجمع عظیم جهان اسلام؛ این جهت امروز آن است. «جهت» جاهلیت، صد و هشتاد درجه تفاوت داشت و نقطه مقابل این بود؛ بت‌های گوناگونی، بیرون کعبه و درون کعبه آویخته بودند؛ کسانی که می‌آمدند و دور کعبه حرکت می‌کردند، در واقع دلباخته و دلبسته آن بت بودند و از خدای واحد احد، چیزی نمی‌فهمیدند. خود این حرکت کردن هم نه فقط آنها را به هم نزدیک نمی‌کرد، آنها را از هم دور می‌کرد؛ چون دلبستگی‌هایشان با هم فرق داشت؛ یکی به خاطر فلان بت دور کعبه می‌گشت و دیگری

به خاطر فلان بت دیگر، که همه اینها توی کعبه جمع بودند. پیغمبر «حج» و «طواف» و «سعی» را مطلقاً تغییر نداد- این قالب حفظ شد- جهت آن را صد و هشتاد درجه عوض کرد؛ حجتی که مظهر شرک و بت پرستی و خرافه پرستی و عصبیت و جهالت محض بود، تبدیل شد به مظهر توحید، مظهر صفا، مظهر اخلاص و دلباختگی در مقابل ذات اقدس الهی.

قالب‌ها اشکالی ندارند. تکنولوژی هسته‌ای هیچ گناهی نکرده، گناه مال آن کسی است که جهت او را، جهت تخریب انسانها قرار می‌دهد. یا مثلاً فناوریهای پیشرفته نانو، یا صنایع الکترونیک بسیار پیشرفته و آیرو دینامیک و امثال اینها گناهی ندارند، اینها خیلی خوبند و ابزارهایی هستند برای این که انسان بتواند در دنیا از منابع و فرصتهایی که خدا در این طبیعت قرار داده، به بهترین وجهی استفاده کند. گناه مال آن کسانی است که از این نعمت خدادادی و از این گنجینه الهی، برای زورگویی به بشر، تسلط به دیگران و پامال کردن حقوق دیگران استفاده می‌کنند. شما که مبنای خوبی دارید، شما که به خدا معتقدید، شما که به کرامت انسان معتقدید، شما که با ظلم و غصب و تعدی و تجاوز مخالفید، شما که استکبار و جامعه‌ها یا حکومت‌های برآمده از شہوات شخصی و جمعی را تقبیح می‌کنید، شما این علوم را یاد بگیرید تا ارزشهای خودتان را در دنیا ترویج کنید و معارف خودتان را در دنیا حاکم کنید. این چیز بدی است؟! یک نفر سوار هواپیما می‌شود و برای عیاشی و هرزگی، به فلان شهر فلان کشور می‌رود؛ یک نفر هم سوار همین هواپیما می‌شود، می‌رود برای زیارت خانه خدا؛ این هواپیما که گناهی ندارد؛ جهت‌ها فرق می‌کند. شما دانش و فناوری را فرا بگیرید و از هوش ویژه‌ای که در شما هست- که من حالا اشاره خواهم کرد و بعضی از دوستان هم گفتند- استفاده کنید، برای این که در این جهت، قله را فتح کنید. آن وقت از این موقعیت و از این فرصت، برای نشر ارزشهای حقیقی- به جای ارزشهای دروغین، به جای نفسانیات، به جای هرزگی، به جای سلطه زر و زور بر سرنوشت بشر- استفاده کنید. امروز بیش از دو میلیارد انسان در دنیا گرسنه‌اند! این شوخی است؟ امروز ملت‌هایی بر روی طلاراه می‌روند، ولی شکمشان گرسنه است. نظام جهانی نظام سلطه است؛ نظام استکبار است؛ نظام ظلم است. به چه وسیله آمریکا به اینجا رسید؟ چه طور توانست این جوری به دنیا زورگویی کند؟ چون دانش داشت و از دانش استفاده کرد. غربیها در این مسابقه جهانی که در طول تاریخ وجود داشته، سوء استفاده کردند.

● جابه‌جائی علم

ببینید در طول تاریخ، «علم» در بین ملت‌های دنیا دست به دست گشته؛ شما هیچ ملتی را پیدا نمی‌کنید که از اول تا آخر، دانش در اختیار آنها بوده؛ نه، این یک از سنت‌های خداست. در این مسابقه در بین

جوامع بشری - ملتها مسابقه دارند و از هم جلو می‌زنند - از لحاظ «دانش»، یک وقتی شرق جلو بود، یک وقتی کشورهای اسلامی جلو بودند و یک وقتی به خصوص کشور ایران جلو بود؛ همین حالتی که امروز شما در بعضی از کشورهای غربی مشاهده می‌کنید، که از لحاظ علم در رتبه بالائی هستند و دیگران باید سرشان را بالا کنند تا آنها را ببینند، یک روز کشور شما همین حالت را داشت و کشورهای اروپائی و کشورهای شرقی و غربی باید به بالا نگاه می‌کردند تا می‌توانستند دانشمندان ایرانی را ببینند؛ دانشمندان عظیمی که نه فقط در علم، حتی در فناوری - فناوری‌های متناسب با آن روز - از همه دنیا جلو بودند. یک روزی اینجوری بوده؛ یک روز هم غربیها جلو افتادند.

اما یک نکته مهمی است که از زمانی که غربیها جلو افتادند، از این برتری علمی، برای مقاصد سیاسی و اقتصادی سلطه‌گرانه، استفاده کردند؛ استعمار به وجود آمد. استعمار قبلاً وجود نداشت. معنای استعمار این است که یک کشوری با هزارها کیلومتر فاصله، دست‌اندازی کند به یک کشوری که منبع ثروت است - مثلاً شبه قاره هند - و آنجا را به قدرت شمشیر و به قدرت سلاح پیشرفته، در اختیار خودش بگیرد. می‌دانید، انگلیس هم محاط به دریاست. انگلیسیها چون در کار کشتیرانی و دریانوردی یک مهارتی پیدا کرده بودند، این دریانوردی را توسعه دادند، خطرپذیری کردند، ریسک‌پذیری کردند، آمدند هندوستان را پیدا کردند؛ و بر آن تسلط پیدا کردند. اینجا از برتری علمی خودشان استفاده سیاسی کردند! کاری که تا آن زمان هیچ کدام از کشورهای گوناگونی که دارای برتری علمی بودند، نکرده بودند. هم انگلیسیها، هم بلژیکیها، هم هلندیها، اینهایی که طرف منطقه شرق و منطقه شبه قاره هند رفتند و اول بار استعمار را راه انداختند، و هم آن کسانی که بعد رفتند آفریقا را گرفتند - گروهی از کشورهای اروپائی مثل پرتغال - اینها از قدرت پیشرفت علمی و توانائی علمیشان، استفاده سیاسی کردند؛ یعنی استعمار را به وجود آوردند. وقتی استعمار به وجود آمد، سرنوشت آن ملت استعمارزده در دست آن ملت استعمارگر قرار گرفت؛ از این استفاده کردند برای این که آنها را در جهالت نگه دارند و تا آن جایی که البته می‌توانستند، مسابقه علمی را متوقف کردند!

این اتفاقی است که افتاده و کاری است که شده خب، این سوء استفاده از علم بود. دنیا تحولات دارد، انسانها در یک حدی محدود نمی‌مانند و انسان را نمی‌شود زندانی کرد. بالاخره، جوشش استعداد انسانی - چه در زمینه علمی، چه در زمینه سیاسی - کار خودش را می‌کند و کرده است. حرکت‌های فراوانی از طرف مردم در جاهای مختلف دنیا به وجود آمد. وضع امروز دنیا این است که قدرتهائی که دارای پیشرفت علمی هستند، سعی می‌کنند این پیشرفت را به صورت انحصاری نگه دارند. شماها خوب می‌دانید، بخشهایی از دانش در کشورهای پیشرفته غربی هست که مطلقاً اجازه دسترسی به آنها به کسانی خارج از محدوده خودشان داده نمی‌شود؛ یعنی اختصاصی است. مثل این

سندهایی که وقتی کهنه شد، منتشرش می‌کنند؛ دانشی هم که در اختیار آنهاست، وقتی از آن مرحله اهمیت و درجه اولی، افتاد، آن وقت اجازه می‌دهند دیگری دست پیدا کند؛ آن هم وقتی که خودشان به یک مرحله بالاتری رسیده باشند. این جوری‌اند و در زمینه علم، انحصارطلبند.

● ضرورت حرکت علمی

در این دنیا، برای به هم زدن این سلطه، باید یک حرکت علمی کرد. نظام جمهوری اسلامی که از لحاظ ارزشگذاری و نظام ارزشی، نقطه مقابل آن چیزی است که امروز سلطه گران غرب دنبالش هستند- و موفق هم شده؛ از لحاظ سیاسی موفق شده؛ خودش را تثبیت کرده؛ علیه توطئه‌ها سی سال ایستادگی کرده و در ابعاد مختلف خودش را پیش برده- برای این که بتواند هدف‌های خودش را تأمین بکند- که آن هدف‌ها، هدف‌های والای انسانی است که هر انسانی آنها را قبول دارد- باید دنبال علم برود؛ این است که من گفته‌ام امروز یکی از پایه‌ای‌ترین گفتمان‌های کنونی کشور ما، باید گفتمان پیشرفت علم و فناوری باشد؛ این برو برگرد ندارد. بدون این که ما به دنبال پیشرفت علمی و رشد علمی و افزایش توان علمی باشیم، و بدون این که این امکان علمی را در سطح زندگی خودمان بیاوریم و زندگی مادی را اعتلاء بدهیم، امکان مقابله با آن قدرتها وجود ندارد. این پرچمی که در دست جمهوری اسلامی است، در این صورت در اهتزاز و سرپا خواهد ماند، و پیروز خواهد شد. در این زمینه من شاید یک مقداری بیش از اندازه لازم صحبت کردم؛ به خاطر این که تصور نمی‌کردم این فکر و ذهنیت در جوان‌های نخبه باشد که علم و فناوری چه فایده‌ای دارد؛ لذا یک مقداری در این زمینه بیشتر توضیح دادم.

علم مایه قدرت و ثروت است. اگر کشور شما و نظام جمهوری اسلامی باید به این قدرت و اقتدار دست پیدا کند تا بتواند از ملت خود، از کشور خود، از ارزشهای خود و از نظام خود، پشتیبانی کند و مصونیت ببخشد- که قدرت فایده‌اش این است؛ اقتدار برای زورگوئی به دیگران نیست، برای جلوگیری از زورگوئی دیگران است- و اگر در کنار این، به ثروت احتیاج دارد تا بتواند مشکلات گوناگونی را که میراث سالها حکومت استبدادی در این کشور است برطرف کند، باید علم را به دست بیاورد. برای یک ملت، علم، وسیله‌ای است برای رسیدن به اقتدار ملی و ثروت ملی.

خوشبختانه ما در این زمینه امکانات زیادی داریم. اگر درست محاسبه بشود، شاید بتوان گفت واقعاً حدود صد و پنجاه سال ملت ایران را متوقف نگه داشتند. این استعداد جوشانی را که شما امروز می‌بینید، این مال امروز نیست، همیشه نسل‌های ایرانی، این استعداد را داشته‌اند. اینها به دلایل مختلف متوقف مانده؛ عمده‌اش هم به خاطر حاکمیت حکومت‌های مستبد و جائز در همه زمان‌ها- و

به خصوص در این برهه آخر، با اضافه شدن وابستگی و فساد - بوده. این عقب ماندگی وجود دارد. لیکن استعداد ملت ایران، یک استعداد از متوسط بالاتر است؛ این را ما بارها گفته ایم. بعضی ها خیال کردند که ما این را ادعا می کنیم؛ حالا به تدریج در سطح جهان هم دارد این معنا منعکس می شود. گواهی ها و تصدیق های جهانی نسبت به هوش بسیار زیاد ایرانی، مکرر در جاهای گوناگونی دارد تکرار می شود. توی مجلات آمریکائی می نویسند و به خصوص از بعضی از دانشگاه های ما اسم می آورند. البته این اسم آوردنها مغرضانه است، آن دانشگاهی که آنها اسم می آورند - چه در تهران، چه در اصفهان - اینها دانشگاه های برترند، شک نیست؛ اما نام آوردن آنها مغرضانه است؛ چون دانشگاه بر پایه نیروی انسانی است: دانشجو و استاد و البته مدیریت. هم دانشجو و هم استاد از همین نسل های ایرانی هستند؛ بنابراین، این عمومیت دارد و مخصوص دانشگاه خاص نیست. در هر جایی که تلاشی صورت بگیرد، همین برجستگی نمایان خواهد شد که آنها در مواردی به آن اعتراف می کنند.

● هوش و استعداد بالا

بنابراین ما از این امکان بسیار بالای انسانی برخورداریم؛ یعنی هوش و استعداد از متوسط بالاتر انسانی در ایران. این می تواند عقب ماندگی را جبران کند. این سالهایی که شما راه افتادید و این کاروان علم در کشور حرکت کرده، دستاوردهای بسیار زیاد داشته. همین تقریباً ده دوازده سال اخیر که این تفکر علم گرایی و دنبال علم رفتن و نهضت تولید علم و نهضت نرم افزاری و مسئله نخبه پروری در کشور شروع شده، تا امروز ما خیلی پیشرفت کرده ایم. این پیشرفت ها مغتنم است.

من البته قانع نیستم. نه این که تصور کنید بنده حالا خیال می کنم ما به مقصود رسیده ایم، نه، خیلی کار دارد تا این عقب ماندگی تاریخی و طولانی جبران بشود. به خصوص که ما تنها هستیم؛ ما تنها هستیم! کسی از نظام اسلامی و اندیشه اسلامی حمایت نمی کند. این چینی ها - که الان شما مشاهده کردید و در جریان المپیک در پکن، یک گوشه ای از توانایی های فنی چینی ها نشان داده شد و در واقع رو شد - خیلی پیشرفت های خوبی دارند از لحاظ علمی؛ اما توجه داشته باشید، اینها در سال ۱۹۴۸ - که چین جدید و چین کمونیست در آن سال تشکیل شده - هیچ چیز نداشتند! ولیکن شوروی - یک حکومت با سابقه تر از لحاظ ایدئولوژی، و با سابقه بسیار بیشتر از لحاظ پیشرفت های علمی و فنی - هر چه داشت در اختیار چین قرار داد؛ زمان استالین هم بود. وجود یک کشور عظیم مثل چین - البته آن وقت جمعیتش مثل حالا نبود؛ اما بالاخره کشور بزرگ، پهناور و پر جمعیتی بود - در کنار کشور بزرگ شوروی و در قلب آسیا، برای شوروی کمونیستی آن روز خیلی با ارزش بود. هر چه داشتند، در اختیار چینی ها گذاشتند؛ حتی انرژی هسته ای را. انرژی هسته ای را جوان های ما خودشان به دست آوردند.

چینی‌ها انرژی هسته‌ای را مثل هدیه‌ای از روسها گرفتند؛ کمالین که به کره شمالی هم دادند؛ هم چینی‌ها دادند، هم روسها دادند. ببینید پیشرفت‌های شورهای مثل چین، به برکت حمایت‌های فوق‌العاده و استثنائی کشورهای دیگر بود. هند هم همین جور است؛ البته از جهات دیگری. آن وقتی که بین روسیه و چین اختلاف به وجود آمد - می‌دانید دیگر، تا چند ده سال متمادی بعد از دوره استالین، بین این دو کشور بزرگ کمونیستی اختلاف شدید و عمیقی بود؛ مثل اختلاف شرق و غرب و شاید هم یک خرده تندتر - این اختلاف موجب شد که روس‌ها آمدند به کمک هندی‌ها که همسایه چین بود؛ چینی‌ها هم رفتند به کمک پاکستان که رقیب هند بود! یعنی عوامل سیاسی در یارگیری‌ها تأثیر گذاشت. آن وقت چینی‌ها انرژی هسته‌ای را دادند به پاکستان؛ روس‌ها هم انرژی هسته‌ای و بسیاری از پیشرفت‌ها را دادند به هند. یعنی هم هند، هم پاکستان، دستاوردهایشان را از دیگران گرفتند.

● نگاه خوب به آینده

من هر چه نگاه می‌کنم، می‌بینم هیچ کشوری از این کشورهایی که در زمینه‌های مختلف چنین پیشرفتهائی پیدا کرده‌اند، مثل کشور ما نیست! ما مظلومانه، تنها و در بین این همه دشمنیها - در حالی که هم شرق کمونیستی و هم غرب سرمایه‌داری با ما به جد دشمن بودند؛ اروپا هم که مایل بود یک نقش مثلاً میانه‌ای ایفا کند، هیچ‌گونه کمکی به ما نکرد، بلکه ضربه هم زد - این جوان‌های باهوش و زیرک و احیاناً بسیار زبیل از میان ملت ما، توانستند این نهال‌ها را رشد بدهند و به ثمر برسانند. کارهای بزرگی شده؛ این خیلی امیدبخش است. در آینده هم می‌توانید این کارها را انجام بدهید. لذا من نگاهم به آینده، نگاه خیلی خوبی است؛ اگرچه وضع کنونی را قابل تحسین می‌دانم، اما به هیچ وجه قناعت به این وضع را مجاز نمی‌شمارم، برای هیچ کس: نه برای دولتی‌ها، نه برای خود شما جوان‌ها، نه برای اساتیدتان. ما هنوز خیلی باید راه برویم؛ خیلی باید حرکت کنیم. فاصله ما هنوز با آن قله‌ها - حتی، برخی پائین‌تر از قله‌ها - زیاد است. باید این فاصله‌ها را طی کنیم.

البته این‌ها ثروت و پول لازم دارد؛ پول را هم از همین راه باید به دست بیاوریم. دوستان اشاره کردند - اغلب این نکاتی که دوستان گفتند، نکات درستی است؛ در محاسبات ما و در یادداشت‌هایی که به ما دادند، همه این نکات وجود دارد - ثروت را از همین راه باید به دست بیاوریم. آن روزی که ما بتوانیم در آمد کشور را از راه دانشمان به دست بیاوریم و در چاه‌های نفت را پلمب کنیم، آن روز برای ما روز خوبی است. امروز ما داریم از ذخائرمان می‌خوریم. بیشتر بودجه کشور از نفت است. نفت ذخیره ماست. گنجینه‌مان را داریم تخلیه می‌کنیم؛ از روی ناچاری. باید روزی برسد که بتوانیم از دانش خود نان بخوریم و این ملت بتواند از دانش خود ثروت تولید کند. آن وقت خود آن ثروت به پیشرفت

دانش کمک خواهد کرد. یک هم‌افزایی پی‌درپی دارند: علم به ثروت کمک می‌کند، ثروت به علم کمک می‌کند؛ دائماً هم‌افزایی به وجود می‌آید. ما باید دنبال این روز باشیم.

● جهت‌گیری معنوی و الهی

البته جهت‌گیری‌ها، باید جهت‌گیری‌های درست و معنوی و الهی باشد؛ همچنان‌که در اظهارات خیلی از این جوان‌های عزیز هم همین را دیدیم؛ این گرایش‌های عزیز در بین این جوان‌ها، حقیقتاً دل انسان را روشن می‌کند و خرسند می‌کند. نکات خوبی گفته شد؛ در ذهن بنده هم بود، من هم می‌خواهم همین‌ها را تأکید بکنم. خب، خوشبختانه بنیاد نخبگان و آقای دکتر واعظزاده، الحمدلله خیلی خوب فعالند؛ من خیلی خوشحالم از این که حرکت را شروع کرده‌اند، کار را آغاز کرده‌اند؛ لیکن باید به ضعف‌هایی که وجود دارد توجه کنند و پی‌درپی ضعف‌ها را برطرف کنند.

● پرهیز از ناهماهنگی

یکی از ضعف‌ها ناهماهنگی‌هاست؛ در بخش‌های مرتبط با دانش و علم و فناوری، بایستی هماهنگی کامل بوجود بیاید. ما مسئله ارتباط صنعت و دانشگاه را مطرح کردیم - که خب، الحمدلله در این زمینه دارد کار می‌شود و بیشتر هم کار خواهد شد؛ حالا مسئولین مطالبی هم درباره ارتباط نخبگان با مراکز تحقیقاتی یا با صنایع و امثال اینها، با ما در میان گذاشتند که مژده بخش است و انشاءالله در وقت خودش به شما گفته خواهد شد و اطلاع خواهند داد - لیکن هماهنگی بین خود مراکز علمی خیلی لازم است؛ یعنی دو وزارت علوم و بهداشت با همین معاونت علم و فناوری رئیس جمهور و بنیاد نخبگان و سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی و هر بخشی از بخش‌ها که در این زمینه‌ها همکاری می‌کنند، یک ارتباط و همکاری و هم‌افزایی دائم لازم است که مبادا اینها کار هم را خنثی بکنند یا حلقه‌های مفقوده و خلأهایی در این زمینه - از قبیل همین که یک خانمی راجع به مشکل جوان‌های خوارزمی بیان کردند - به وجود بیاید.

● مسئله تکریم نخبگان

یک چیز دیگری که من اینجا لازم است مطرح بکنم - اگر چه مخاطبش در واقع کس دیگری است - مسئله بزرگداشت نخبگان و تکریم نخبگان است. در این زمینه، در واقع رسانه‌های ما و بخصوص رسانه ملی و صدا و سیما، مخاطبند. شما ملاحظه کنید در تبلیغاتی که انجام می‌گیرد: هنرپیشه‌ها و

هنرپیشه‌های خارجی و اسم‌های گوناگون تبلیغ و ترویج می‌شوند. مثلاً مسابقه می‌گذارند توی تلویزیون و سؤال می‌کنند: اسم قهرمان اول فلان فیلم چی بود؟ اگر گفتی و بلد بودی برنده می‌شوی! حالا ندانند این را؛ مگر چه کسری و چه نقصی وارد می‌شود؟ فرض کنید میلیون‌ها نفر این فیلم را ندیده‌اند و این هنرمند یا این بازیگر را نمی‌شناسند؛ این شد یک نقیصه؟ که شناخت او بشود یک امتیاز؟! یا مثلاً ورزش. البته می‌دانید و بارها گفته‌ام، من از طرفداران ورزش قهرمانی‌ام؛ یعنی من بر خلاف یک حرفی که گفته می‌شد: آقا! ورزش قهرمانی چیست؟ بنده گفتم که نه، ورزش قهرمانی لازم است. ورزش قهرمانی در واقع نخبه‌پروری در باب ورزش است؛ این می‌شود یک قله؛ تا قله نباشد، دامنه نیست. وقتی یک قله درست شد، آن وقت دامنه - یعنی ورزش عمومی - شکل خواهد گرفت. بنابراین بنده به ورزش قهرمانی معتقدم؛ به این قهرمان‌هایی هم که می‌روند و پرچم کشورمان و سرود ملی کشورمان را اینجا و آنجا به چشم و گوش مردم دنیا می‌رسانند، علاقه‌مندم؛ از آنها هم تشکر می‌کنم؛ خیلی هم دوستشان می‌دارم؛ گاهی هم پیش من می‌آیند. اما حرف من این است که چرا ما باید به یک نخبه علمی کمتر از یک نخبه ورزشی بها بدهیم؟ ما چقدر نخبه‌های علمی داریم که در قله‌اند؛ چقدر نخبه علمی داریم که اگر چنانچه دست کشورهای دیگر به اینها برسد، آنها را فوراً می‌قاپند و می‌برند؛ اینها را باید تجلیل کنیم.

حالا من از باب مثال مرحوم کاظمی آشتیانی را مثال می‌زنم - حالا چون بارها اسم ایشان را برده‌ایم و از دنیا هم رفته، خدا ایشان را رحمت کند - یا همین جوان عزیزی که آقای دکتر واعظ‌زاده اسمش را آوردند - که پارسال اینجا در جمع ما بوده و امسال فوت کرده - اینها باید تجلیل بشوند، شناخته بشوند. ما نخبگان علمی تاریخی‌مان را هم ترویج نمی‌کنیم؛ خیلی از مردم کشور ما علمای بزرگ و دانشمندان بزرگ رشته‌های مختلف را نمی‌شناسند؛ نه فقط در رشته فقه و فلسفه و علوم دینی، بلکه دانشمندی که در رشته‌های رائج امروز دنیا - در فیزیک، در ریاضی، در شیمی، در مکانیک - در تاریخ خود ما برجسته بودند و کارهای بزرگی آن روز انجام دادند و بعضی از اختراعات آنها حتی امروز مورد استفاده است. نه جوان‌های ما اسم‌هایشان را می‌دانند، نه ترویج می‌شوند، نه یادی از آنها می‌شود! خیلی نقیصه بزرگی است. این هم بایستی حتماً اصلاح بشود.

نکات گوناگون دیگری هم وجود دارد که بعضی‌اش را هم دوستان گفتند. این مسئله راه یافتن پروژه‌های علمی به بازار مصرف، که از جمله چیزهای بسیار مهمی است که دولت باید حتماً در این زمینه کمک کند و بنا هم دارند کمک کنند؛ من اطلاع دارم. انشاءالله در این زمینه اقداماتی صورت بگیرد که محصول کارها تجاری بشود.

● علم مایهٔ اقتدار ملی

و آخرین مطلب - که دیگر حالا ظاهر است و ظاهراً وقت اذان است - این که افتخار خدمت به کشور از راه علم را شماها خیلی قدر بدانید. خدمت به کشور از راههای مختلفی ممکن است؛ یکی از بهترین راه‌های خدمت به کشور از راه علم است. سیاستمدارها هم خدمت به کشور می‌کنند؛ مجاهدان راه خدا و رزم‌آوران میدان‌های جنگ هم خدمت به کشور می‌کنند، تجار و بازرگانان و بقیه هم خدمت به کشور می‌کنند، صنعتگران هم خدمت به کشور می‌کنند؛ اما یکی از راه‌های برجستهٔ خدمت به کشور، از راه علم است؛ به همین دلایل که قبلاً عرض شد که علم مایهٔ اقتدار ملی، مایهٔ قدرت کشور، مایهٔ ثروت کشور و مایهٔ سربلندی هر کشوری است. شما در درس خواندن و در حائز شدن رتبه‌های بالایی علمی، اگر این نیت را بکنید، کارتان می‌شود عبادت. یعنی کار انسان - یک کار واحد - با دو نیت مغایر، دو حالت گوناگون پیدا می‌کند: گاهی همان کار می‌شود عبادت، گاهی همان کار می‌شود معصیت. نمازی که انسان می‌خواند، اگر به قصد تقرب به خدا بخواند، توجهش به خدا باشد، با اخلاص نماز بخواند، این بالاترین عبادت‌هاست؛ اگر همین نماز را برای ریا بخواند، این نماز می‌شود معصیت و خود آن نماز، می‌شود گناه. ریا، گناه کبیره است؛ مصداقش هم می‌شود همان نمازی که از روی ریا خوانده شد؛ نیت اینقدر مؤثر است. شما اگر چنانچه این تحصیل را، این تلاش علمی را، این سعی برای به دست آوردن رتبه‌های نخبگی را، برای خدمت به مردم و برای خدمت به کشور و برای سربلندی نظام اسلامی انجام بدهید، بلاشک یکی از حسنات شما خواهد بود.

امیدواریم انشاءالله خداوند متعال همهٔ شماها را توفیق بدهد و به شما کمک کند و انشاءالله روز به روز بیشتر شاهد گسترش علم و تحقیق در کشور باشیم و ببینیم که جوانان مؤمن و جوانان صالح ما، توانسته‌اند در این مسابقهٔ عظیم، پیشاپیش حرکت کنند. انشاءالله خداوند همهٔ شماها را محفوظ بدارد.

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ